

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی میان عربی-فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه رازی کرمانشاه

سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۲ هـ.ش / ۱۴۳۴ هـ.ق / ۲۰۱۳ م، صص ۱۳۷-۱۶۱

انتخاب موضوع و تنظیم مباحث داخلی در پژوهش‌های تطبیقی

(گفتاری پیرامون روش تحقیق در ادبیات تطبیقی)*

دکتر صادق عسکری

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان

چکیده

انتخاب موضوع و تنظیم مباحث داخلی، نخستین گام اساسی هر پژوهش است که بر اساس استانداردها و معیارهای روش تحقیق در آن رشته صورت می‌گیرد. از سوی دیگر باید گفت که برجسته‌ترین تفاوت پژوهش‌های تطبیقی با پژوهش‌های دیگر در روش تحقیق می‌باشد.

در این مقاله، ضمن ارائه برخی معیارهای روش تحقیق در ادبیات تطبیقی، به نقد و بررسی انتخاب موضوع و تنظیم مباحث فرعی و عناوین داخلی مقالات تطبیقی که در مشهورترین مجلات معتبر علمی پژوهشی کشور چاپ شده‌اند، پرداخته شده است.

یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد که تعدادی از مقالات تطبیقی، در انتخاب موضوع، تنظیم مباحث و عناوین داخلی فاقد نگاه تطبیقی می‌باشد. به عبارت دیگر، پژوهشگر در انتخاب موضوع، تنها به دنبال یافتن تشابهاتی جهت اثبات تأثیرپذیری بوده و از وجوه اختلاف که بیانگر تفاوت‌ها و نوآوری‌های ادیبان می‌باشد، غفلت ورزیده است.

افزون بر این، بسیاری از مقالات تطبیقی، فاقد نگاه تطبیقی در تنظیم مباحث فرعی و عناوین داخلی بوده‌اند و غالباً به بیان ویژگی‌های هر شاعر یا ادیب به طور جداگانه بسنده کرده و از مقایسه و بررسی تطبیقی دقیق غافل مانده‌اند؛ هر چند برخی از این مقالات، دارای استانداردهای لازم بوده و در پایان به عنوان نمونه‌های مناسب پژوهشی تطبیقی ذکر گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: انتخاب موضوع، ادبیات تطبیقی، مقالات پژوهشی، روش تحقیق.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۰

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۱۵

رایانامه: sadeghaskari2001@yahoo.com

۱. پیشگفتار

انتخاب موضوع، تنظیم مباحث داخلی و عنوان‌های فرعی یا همان فصل‌بندی، نخستین گام اساسی در هر تحقیق و پژوهشی است که بر اساس استانداردها و معیارهای روش تحقیق در هر رشته صورت می‌گیرد. این دو، یعنی انتخاب موضوع ضروری و مفید و تنظیم دقیق مباحث فرعی، در کنار استفاده از منابع و مراجع مهم و معتبر و در نهایت دقت در تجزیه و تحلیل و نقد معلومات بدست آمده، می‌تواند در پرتو یک پژوهش روشمند به نوآوری و تولید علم بیانجامد. از سوی دیگر، باید گفت که برجسته‌ترین تفاوت پژوهش‌های تطبیقی با پژوهش‌های دیگر در روش تحقیق می‌باشد که یکی از علائم آن انتخاب موضوع تطبیقی و تنظیم مباحث فرعی یا طرح تحقیق مناسب با پژوهش‌های تطبیقی می‌باشد.

با این حال، با وجود ضرورت و جایگاه ادبیات تطبیقی و نقش روش تحقیق در موفقیت پژوهش‌های تطبیقی، همچنین علی‌رغم کثرت کتاب‌ها و مقالات در خصوص ضرورت و اهمیت ادبیات تطبیقی، متأسفانه تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه «روش تحقیق در ادبیات تطبیقی» انجام نشده است. هر چند می‌توان از مقاله‌ی علی اصغر قهرمانی (۱۳۸۶) با عنوان «گرایش ادبیات تطبیقی در رشته زبان و ادبیات عربی: درس‌ها و سرفصل‌ها» و مقاله‌ی تورج زینی‌وند (۱۳۸۶) با عنوان «درآمدی بر ادبیات در ایران» که در مجموعه مقالات سومین همایش مدیران گروه‌های عربی سراسر کشور چاپ شده است، به عنوان گامی مناسب در این خصوص نام برد. چرا که آن دو ضمن پیشنهاد درس‌ها و سرفصل‌هایی برای گرایش ادبیات تطبیقی، به اختصار در چهار صفحه به برخی نکات اساسی در روش تحقیق در ادبیات تطبیقی اشاره نموده‌اند.

علاوه بر آن، اینجانب در مقاله‌ی «انتخاب موضوع و تنظیم عنوان در مقالات پژوهشی» که در شماره‌ی دوم مجله‌ی زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد (بهار ۸۹) چاپ شده است و همچنین مقاله‌ی «نقدی بر مباحث فرعی و عناوین داخلی مقالات علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی» که در شماره‌ی ۱۸ مجله‌ی انجمن زبان عربی ایران (بهار ۹۰) چاپ خواهد شد، به تفصیل به بررسی معیارهای انتخاب موضوع و تنظیم مباحث فرعی و عناوین داخلی

پرداخته‌ام. با این حال وجه تمایز مقاله حاضر این است که در اینجا با استفاده از معیارهای روش تحقیق در ادبیات تطبیقی فقط به بررسی مقالات تطبیقی پرداخته‌ایم.

بر اساس آنچه که گفته شد، در این مقاله برآنیم تا ضمن ارائه برخی معیارهای روش تحقیق در ادبیات تطبیقی، به نقد و بررسی انتخاب موضوع و تنظیم مباحث فرعی و عناوین داخلی پژوهش‌های تطبیقی که در مشهورترین مجلات معتبر علمی پژوهشی کشور، چاپ شده‌اند، پردازیم. با این امید که نتایج حاصله بتواند راهکار مفیدی جهت رفع کاستی‌های موجود ارائه نماید.

باید دانست از آنجایی که هدف از بیان نواقص موجود در مقالات چاپ شده، چیزی جز اجتناب از تکرار این کاستی‌ها و در نتیجه ارتقای سطح علمی پژوهش‌های تطبیقی نبوده و نخواهد بود؛ لذا برای حفظ شأن و منزلت والای استادان و نویسندگان ارجمند که نگارنده سال‌ها شاگرد برخی از آنها بوده است و همچنین برای حفظ جایگاه مجلات علمی پژوهشی و سردبیران و اعضای محترم هیأت تحریریه که پیشرفت‌های کنونی در ادبیات تطبیقی حاصل تلاش‌های آنان می‌باشد، بهتر دیدیم که در ذکر شواهد و نمونه مقالات از ارجاع و درج نام نویسنده و مجله خودداری کرده و در پایان، مجلات بررسی شده را در فهرست منابع بیاوریم.

امروزه به سختی می‌توان در سطح جهانی، پژوهشگری یافت که در اهمیت و ضرورت ادبیات تطبیقی شک داشته باشد، چرا که پژوهش‌های تطبیقی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جدیدی است که می‌توان از آن به عنوان نقطه اوج پژوهش‌های ادبی نام برد که در صورت برخوردار بودن از یک روش تطبیقی، غالباً به نوآوری و تولید علم منجر می‌شود؛ لذا نگارنده در این مقاله قصد ندارد پیرامون ضرورت و جایگاه ادبیات تطبیقی سخنی بگوید، چرا که در گذشته کتاب‌ها و مقالات متعددی در این زمینه نگاشته شده است. (هلال، بی تا: ۳-۲۴/ ندی، ۱۹۹۱: ۲۰-۳۲/ التونجی، ۱۹۹۵: ۵-۸/ محسنی‌نیا، ۱۳۸۹: ۸۱-۱۰۱/ نظری منظم، ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۳۷/ حجازی، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۱۵۳/ بهبودیان، ۱۳۸۷:

Stallknecht Newton P. and Horst Frenz, ۱۹۶۱, pp 85- 106; Aldridge A. Own, ۱۹۶۰, pp 37- 52).

شاید جدیدترین نمونه آن در داخل کشور، مقالات و سخنرانی‌های علیرضا انوشیروانی با عنوان: «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»، «ادبیات تطبیقی پایان‌انزوای علوم انسانی»، پیرامون نقش ادبیات تطبیقی در گسترش تعاملات بین فرهنگی و دوری از تعصبات قومی و در نتیجه ایجاد صلح پایدار جهانی می‌باشد.^(۱)

بنابراین آنچه در این مختصر مد نظر نگارنده بوده، ضرورت توجه به روش تحقیق در ادبیات تطبیقی است که در غالب پژوهش‌های فوق‌الذکر که در خصوص ضرورت و اهمیت ادبیات تطبیقی به رشته تحریر در آمده است، مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته است. به طوری که در هیچ یک از منابع مهمی که درباره ادبیات تطبیقی تألیف شده است، هیچ فصل یا بحثی به روش تحقیق در ادبیات تطبیقی نپرداخته است. به عنوان نمونه در کتاب «ادبیات تطبیقی: موضوع و روش تحقیق» اثر آلدریج ا. ا. ا. که در همین مبحث از آن به عنوان یکی از منابع در زمینه ادبیات تطبیقی نام برده شد و علی‌رغم اینکه در عنوان کتاب هم عبارت «روش تحقیق» اضافه شده است؛ ولی هیچ یک از پنج مبحث کتاب به طور مستقل به روش تحقیق نپرداخته است^(۲) و این در حالی است که غالب صاحب‌نظران در نوشته‌های ذکر شده به اهمیت روش تحقیق در ادبیات تطبیقی تأکید نموده و عقیده دارند که آنچه در پژوهش‌های تطبیقی پیش از هر چیز دیگر ضرورت و اهمیت دارد، آشنایی پژوهشگر با روش تحقیق در ادبیات تطبیقی می‌باشد. بر همین اساس است که بعضی از محققان در تعریف ادبیات تطبیقی گفته‌اند: «الأدب المقارن هو الفن المنهجي الذي يبحث عن علاقات التماثل والقراية والتأثير». (برونیل، ۱۹۹۶: ۱۷۳ / باجو، ۱۹۹۷: ۱۸)؛ یعنی ادبیات تطبیقی، فن روشمندی است که درباره تشابه و نزدیکی و اثرگذاری و اثرپذیری بین دو ادیب یا دو ادبیات از زبان‌های مختلف بحث و گفتگو می‌کند.

^۱ - Aldridge A. Own

علاوه بر آن، آلدريج ا. اون در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «هدف ادبیات تطبیقی ارائه روشی است که با استفاده از آن بتوان از منظری فراخ‌تر به آثار ادبی هر ملت نگریست» (Aldridge, 1960, p. 1)، نقل از ذکاوت، ۱۳۸۹: ۱۷۰). انوشیروانی نیز در یکی از مقالات خود با عنوان «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران» بر این موضوع تأکید کرده و می‌گوید: «بی‌خبری یا بی‌اعتنایی به نظریه‌های ادبیات تطبیقی، باعث بدفهمی واژه وصفی «تطبیقی» در این رشته شده است. این امر باعث گردیده است که عده‌ای به غلط «تطبیق» را هدف این رشته بیندارند، حال آنکه تطبیق، روشی است که در سایر شاخه‌های دانش بشری متداول است... تطبیق، صرفاً وسیله و روشی است برای رسیدن به هدف که همانا تبیین تعاملات و مبادلات ادبی بین ملّتهای مختلف است» (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۲-۱۳).

بنابر آنچه که گفته شد، ملاحظه می‌شود که روش تحقیق در ادبیات تطبیقی یکی از عناصر محوری است که مهارت نویسندگان در این زمینه در موفقیت و نوآوری این گونه پژوهش‌ها نقش حیاتی دارد، در بیشتر پژوهش‌های تطبیقی مورد غفلت واقع شده است. شاید یکی از دلایل بی‌توجهی به روش تحقیق در ادبیات تطبیقی، این است که اصولاً بحث روش تحقیق به طور عام، و روش تحقیق در ادبیات تطبیقی به طور خاص از موضوعات ظریف و پیچیده‌ای است که وارد شدن به آن، نیاز به دقت و تجربه فراوان دارد.^(۳)

اینک پس از این مقدمات پیرامون اهمیت و جایگاه ادبیات تطبیقی و لزوم توجه به روش تحقیق در این عرصه، به بیان اهمیت و ضرورت انتخاب موضوع و فصل‌بندی در هر پژوهش خواهیم پرداخت. سپس با استفاده از معیارهای بدست آمده از منابع روش تحقیق، به نقد و بررسی عناوین داخلی تعداد ۵۱ مقاله تطبیقی چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی کشور می‌پردازیم.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

همانطور که در مقدمه این مقاله اشاره شد، نگارنده در پژوهش‌های مستقّلی به تفصیل، به

انتخاب موضوع و تنظیم مباحث داخلی در حوزه علوم انسانی پرداخته است؛ لذا برای اجتناب از اطاله کلام و جلوگیری از تکرار مطالب، در اینجا فقط به برخی نکات مهم و ضروری در این خصوص اشاره می‌کنیم.

باید دانست که پژوهشگران و صاحب‌نظران روش تحقیق به تجربه‌های ارزشمندی در زمینه بهبود روش‌های تحقیق در علوم انسانی دست یافته‌اند که آگاهی و استفاده از آن برای تمامی پژوهشگران ضروری می‌باشد. این دانشمندان با توجه به نوع و حجم تحقیق، چند ویژگی و معیار مهم برای انتخاب موضوع تحقیق و تنظیم عنوان آن بیان نمودند. این معیارها که پس از جستجو و کنکاش در برخی از مشهورترین منابع و مراجع روش تحقیق (ضیف، ۱۹۷۲: ۱۸-۲۴ / شلیبی، ۱۹۷۴: ۸-۹ / سنو، ۲۰۰۱ / مشکین فام، ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱ / صابری، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۲ / اژهای، ۱۳۸۲: ۱۰ و ۴۶ / نادری، ۱۳۷۲: ۴۰، ۵۱، ۲۰۲ / میرزایی، ۱۳۸۷: ۱۷۰) به دست آمده است، عبارتند از:

۱- موضوع پژوهش، محدود، جدید و مفید باشد.

۲- عنوان مقاله، مختصر، روشن و جذاب باشد.

علاوه بر مطالب فوق در خصوص انتخاب موضوع تحقیق، باید دانست که فصل‌بندی یا تنظیم مباحث فرعی در هر پژوهش نیز یکی از معیارهای اساسی در ارزشیابی آن و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مراحل تحقیق می‌باشد، (نادری، ۱۳۷۴: ۲۰۱ / احد قراملکی، ۱۳۸۵: ۳۴۷ / خاکي، ۱۳۸۶: ۳۰۸ / دلاور، ۱۳۸۵: ۷ / خورشیدی، ۱۳۷۸: ۴۷۱) که بیانگر مهارت پژوهشگر در تعیین راه‌هایی است که از طریق آن به هدف مورد نظر در تحقیق خود دست یابد. (شلیبی، ۱۹۷۴: ۳۳ / مشکین فام، ۱۳۸۶: ۲۶ / الجوری، ۱۹۸۹: ۲۹)

از سوی دیگر موضوع هر پژوهش، عناصر و قضایای مخصوص به خود دارد که با موضوعات دیگر متفاوت است؛ لذا پژوهشگر باید با دقت و مهارت تمام، آن عناصر و اندیشه‌ها را استخراج کرده و با کنار هم قرار دادن منطقی آنها مباحث و عنوان‌های فرعی مقاله را تنظیم کند (صابری، ۱۳۸۶: ۲۳). به عبارت دیگر، فصل‌بندی هر پژوهش، همان تنظیم معلومات و یافته‌های علمی موجود در فیش‌های مطالعه می‌باشد که در یک

جهت گیری منسجم، مانند حلقه‌های به هم پیوسته زنجیر پشت سر هم قرار گرفته، به طوری که اگر مبحثی جا به جا شده و زودتر یا دیرتر از مباحث دیگر بیاید، مانند این است که حلقه‌های زنجیر به هم ریخته و آشفتگی در عنوان‌بندی به وجود می‌آید. (ضیف، ۱۹۷۲: ۲۹، ۷۳ / صابری، ۱۳۸۴: ۲۳)

در پایان این مقدمات و تمهیدات پیرامون جایگاه ادبیات تطبیقی و ضرورت توجه به روش تحقیق در آن و پس از بیان اهمیت و معیارهای انتخاب موضوع و تنظیم مباحث داخلی، اکنون با استفاده از معیارهای بدست آمده از منابع روش تحقیق به نقد و بررسی عناوین داخلی تعداد ۵۱ مقاله تطبیقی چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی کشور می‌پردازیم. این رویکرد می‌تواند گام کوچکی می‌توانی برای رفع کاستی‌ها کیفی پژوهش‌های تطبیقی باشد که بسیاری از پژوهشگران نسبت به آن هشدار داده‌اند. (زرین کوب، ۲۵۳۶: ۹ / لطف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۷-۲ / طاهری‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۲۶)

پیش از ورود به موضوع اصلی و بررسی تفصیلی آن، باید گفت که بررسی دقیق موضوع تحقیق و مباحث فرعی مقالات تطبیقی چاپ شده در مجلات معتبر، نشان می‌دهد که این مقالات، مانند بسیاری از مقالات علوم انسانی دارای نواقص متعددی می‌باشند^(۴) که ما در اینجا با توجه به موضوع این مقاله، که پژوهشی مختصر پیرامون «روش تحقیق در ادبیات تطبیقی» می‌باشد، تنها به یک نقص بزرگ تحت عنوان «فقدان نگاه تطبیقی» که ناشی از عدم توجه یا حتی عدم آگاهی از معیارهای روش تحقیق در ادبیات تطبیقی می‌باشد، پرداخته و مقالات تطبیقی منتشره را از این حیث مورد بررسی قرار می‌دهیم و در نهایت مقالاتی را که از نظر انتخاب موضوع تطبیقی و تنظیم مباحث فرعی یا فصل‌بندی، دارای شرایط مطلوب می‌باشند، به عنوان الگوهایی برای پژوهشگران ادبیات تطبیقی ذکر می‌نماییم.

۲-۱. فقدان نگاه تطبیقی در انتخاب موضوع

یکی از ضرورت‌های انتخاب موضوع تحقیق در ادبیات تطبیقی، لزوم داشتن نگاه تطبیقی در انتخاب موضوع می‌باشد. به عبارت دیگر، ماهیت اصلی پژوهش‌های تطبیقی

مقایسه زیباشناسی دو اثر ادبی وجستجو از نکات تشابه و اختلاف برای نشان دادن میزان تأثیر و تأثر می‌باشد. تا از این طریق به داد و ستد تعامل موجود در ادبیات ملل مختلف از گذشته‌های دور پی برده و زمینه را برای تعامل و همکاری بیشتر فرهنگ و تمدن‌های بشری در آینده فراهم کرد و از این طریق گامی برای تعصّب‌زدایی و ایجاد صلح جهانی برداشت. (هلال، بدون تاریخ: ۱۸ / ندی، ۱۹۹۱: ۲۴ / التونجی، ۱۹۹۵: ۷ / آنوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۵ و ۱۶۱)

بر این اساس می‌توان گفت، آن دسته از مقالات تطبیقی که تنها به دنبال تشابه بوده تا از این طریق تأثیر شاعر یا ادیب یا ادبیات قومی را بر شاعر یا ادیب یا ادبیات قوم دیگر اثبات نماید، به خطا رفته‌اند. چرا که بیشتر تعاملات ادبی در نزد ملل مختلف، در قالب داد و ستد دو طرفه بوده نه یک طرفه. لذا علاوه بر بیان وجوه اشتراک که بیانگر ارتباط و تعامل در ادبیات جهان است، باید به بیان وجوه اختلاف که بیانگر ابداع و نوآوری هر یک از ادباء بوده و ویژگی‌ها و سبک خاص ادبیات ملل مختلف را نشان می‌دهد، پرداخت. با این توضیح باید گفت که در برخی مقالات، این نگاه تطبیقی و دو جانبه در انتخاب موضوع دیده نمی‌شود، تا جایی که خواننده گمان می‌کند، تعصّب قومی یا دینی، پژوهشگر را به این یک جانبه‌نگری کشانده است. با نگاهی به عنوان مقالات زیر، این مشکل بیشتر آشکار می‌شود:

- ۱- تأثیرپذیری امیر معزی از معلقه امرؤالقیس
- ۲- نقبی به روشنایی: در جستجوی امثال ایرانی در نظم عربی
- ۳- تأثیر فرهنگ و ادبیات فارسی بر شعر محمّد مهدی جواهری
- ۴- مولانا جلال الدین و تأثیرپذیری او از دیوان متنبی
- ۵- اثرپذیری دیوان صائب از قرآن کریم
- ۶- تأثیر شعر عربی پیش از اسلام بر مضامین شعر فارسی
- ۷- تأثیر اسلام و فرهنگ شرقی بر آثار میخائل لرمانتوف نویسنده قرن طلایی ادبیات

روسی

- ۸- تأثیر غزل حافظ در دیوان شرقی - غربی گوته

۹- زبان عربی در ایران (گذشته، حال، آینده)

بررسی محتوای غالب مقالات تطبیقی فوق الذکر نشان می‌دهد که نویسندگان محترم، توانسته‌اند با تلاش ستودنی خود، تشابهاتی در مضامین یک شاعر یا ادیب با شاعر یا ادیب دیگری بیابند و گاهی این تشابهات معنادار بوده و بیانگر تأثیرپذیری می‌باشد؛ ولی مشکل مقالات فوق، این است که پژوهشگر تطبیقی به همین تشابهات اکتفا کرده و حکم به تأثیرپذیری شاعر یا ادیب دوم داده است، در حالی که وظیفه پژوهشگر تطبیقی این است که علاوه بر بیان تأثیرپذیری، به نکاتی از وجوه اختلاف و تفاوت بین دو شاعر یا ادیب اشاره نموده تا شاعر دوم مورد بی‌مهری قرار نگرفته و از این طریق، هنر او نیز تبیین گردد.

به عنوان مثال نویسنده در مقاله اول، تلاش کرده است تا با بیان برخی وجوه تشابه و اشتراک در دیوان امیر معزی و معلقه امرؤالقیس، تأثیرپذیری این شاعر فارسی را از معلقه مشهور این شاعر دوره قبل از اسلام اثبات نماید؛ ولی علی‌رغم توفیق نویسنده محترم در این زمینه، باید گفت که در ادبیات تطبیقی اکتفا به بیان تشابه شعر معزی با معلقه مذکور برای اثبات تأثیرپذیری او از امرؤالقیس هر چند که لازم و مفید و ستودنی بوده؛ ولی کافی نیست؛ چرا که پژوهشگر می‌بایست علاوه بر آن، به بیان نکات اختلاف بین دو شاعر پرداخته، تا اثبات گردد که هنر شاعری امیر معزی در تقلید و تأثیرپذیری از امرؤالقیس خلاصه نمی‌شود، بلکه شاعر فارسی نوآوری و ابداع مخصوص خود را داشته است و گرنه به این درجه از موفقیت و شهرت دست نمی‌یافت.

شاید بتوان گفت که یکی از محدود کسانانی که تا حدودی به امر مهم پی برده است، نویسنده مقاله «مولانا جلال الدین و تأثیرپذیری او از دیوان متنبی» می‌باشد که ضمن تلاش برای اثبات تأثیرپذیری مولوی از ابیات متنبی، فقط در حدود چند سطر از مقاله ۱۸ صفحه‌ای خود را به بیان ویژگی و هنر شاعری مولوی در تغییر نگاه مدیحه‌سرایی متنبی به نگاه عرفانی خود اختصاص داده است که به نظر می‌رسد این چند سطر نتوانسته است حق مطلب را ادا کند. شکی نیست که علت این نقص آن است که نویسنده محترم اساساً به دنبال بیان و ابداع و هنر مولوی نبوده است، بلکه همانطور که از عنوان مقاله هم فهمیده

می‌شود، تنها به دنبال اثبات تأثیرپذیری مولوی از دیوان متنبی بوده است. بنا بر آنچه که گفته شد، شایسته است پژوهشگران عرصه ادبیات تطبیقی و همچنین داوران و سردبیران محترم مجلات تطبیقی بیش از پیش به این مهم توجه فرموده تا در آینده ضمن توسعه و گسترش پژوهش‌های تطبیقی، شاهد نوآوری و تولید در علوم انسانی کشور باشیم.

۲-۲. فقدان نگاه تطبیقی در تنظیم مباحث داخلی

هر چند امروزه روش تطبیقی نیازمند روش‌های دیگر از قبیل روش تحقیق تاریخی برای بیان تعاملات بین ملت‌ها و روش تحلیل در نقد ادبی برای بیان میزان تقلید و نوآوری می‌باشد (التونجی، ۱۹۹۵: ۱۵)؛ ولی نکته قابل توجه در مطالعات تطبیقی آن است که باید تمامی روش‌های یاد شده در خدمت روش محوری یعنی روش تطبیقی قرار گیرد. (برونیل، ۱۹۹۶: ۱۷۱) چرا که ارزش این نوع مطالعات بیش از هر چیز به یافته‌هایی است که از طریق مقایسه موضوع مورد مطالعه بدست می‌آید. بنابراین در این نوع مطالعات، نقطه شروع کار، از ابتدا باید همان مقایسه باشد، نه این که ابتدا موضوع مورد نظر در یک ادبیات، یا نزد یک ادیب به طور مفصل بررسی شود، سپس همان موضوع در ادبیات دیگر مورد نقد و بررسی جداگانه قرار گیرد. (سنو، ۲۰۰۳: ۲۳)

با این توضیحات، به بررسی مباحث فرعی و عناوین داخلی مقالاتی می‌پردازیم که موضوعات تطبیقی مناسبی انتخاب کرده‌اند؛ اما در اجرای روش تحقیق تطبیقی با چالش‌هایی مواجه شده‌اند. این مقالات عبارتند از:

- ۱- مقارنه بین المسرحین مجنون لیلی و رومیو و جولیت
- ۲- پیرنگ در مقامات حریری و حمیدی
- ۳- قصه مجنون لیلی فی الأدین العربی و الفارسی
- ۴- مطالعه تطبیقی ایمان در اندیشه میگل د. اونا مونو وحافظ شیرازی
- ۵- بهار وشوقی در گذرگاه مفاهیم ومعانی
- ۶- زمان در شعر فروغ فرخزاد و نازک الملائکه

- ۷- نگاه تطبیقی به ادبیات پدیدار شناسانه قرآن و مثنوی
- ۸- دانته و تأثیرپذیری او از منابع شرقی
- ۹- مطالعه و بررسی تصویر شرق در آثار ویکتور هوگو
- ۱۰- نگاهی تطبیقی به طنز و طنز پردازی ایران و عرب با تکیه بر طنز عبید زاکانی و طنز شاعران عصر انحطاط.
- ۱۱- دراسة تطبیقیة فی إنشاء المقامات بین الهمذانی و الحریری و الزمخشری فی إطار القیاس و خاصیة التنوع بین المفردات.
- ۱۲- دوران ملت سازی از راه درام: بررسی تطبیقی چشم اندازهای بلند ایسن و علی نصیریان با نگاهی بر پرگنت و بلبل سرگشته.
- اکنون پس از ذکر عناوین مقالاتی که فاقد نگاه تطبیقی در عرصه طرح تحقیق و فصل بندی بوده، برای درک بهتر ضعف و برای بررسی بیشتر، مباحث فرعی و عناوین داخلی تعدادی از این مقالات به طور کامل ذکر می گردد تا شاهی بر این ادعا باشد.
- ۲-۳-۱. مقارنة بین المسرحین مجنون لیلی و رومیو و جولیت
- المقدمة؛ شكسبير؛ المرأة والحب عند شكسبير وشوقي؛ مسرحية روميو وجوليت باختصار؛ مسرحية مجنون لیلی باختصار؛ الشخصيات في مسرحية روميو وجوليت؛ روميو؛ جوليت؛ الكاهن لورنس؛ باريس؛ تيبالت؛ الشخصيات في مسرحية مجنون لیلی؛ قيس؛ لیلی؛ المهدي؛ ورد؛ بشر؛ زياد؛ منازل؛ المقارنة بين المسرحيتين؛ خاتمة البحث.
- همانطور که ملاحظه می شود، نویسنده محترم پس از مقدمه، ابتدا دو ادیب مورد بحث یعنی شوقی و شکسپیر را در دو عنوان مستقل معرفی کرده و سپس در عنوان چهارم به بررسی زن و عشق نزد شکسپیر و شوقی پرداخته است. آنگاه داستان نمایشنامه رومیو و جولیت شکسپیر و نمایشنامه مجنون لیلی احمد شوقی را به اختصار در دو عنوان مستقل بیان کرده است. سپس به بررسی شخصیت های نمایشنامه رومیو و جولیت و شخصیت های نمایشنامه مجنون لیلی در دو عنوان مستقل دیگر به همراه چند عنوان فرعی تر برای هر یک از دو عنوان مذکور پرداخته و در نهایت به بررسی تطبیقی دو نمایشنامه تحت عنوان

«المقارنۃ بین المسرحیتین» پرداخته است.

شکی نیست که از بین ۲۱ عنوان فرعی که در مقاله فوق آمده است، فقط یک عنوان می‌توانست به عنوان مبحث محوری مورد قبول واقع گردد و آن هم آخرین عنوان مقاله قبل از خاتمه یعنی «المقارنۃ بین المسرحیتین» است که به نوعی تکرار عنوان مقاله نیز هست و بیشترین حجم مقاله یعنی ۱۳ صفحه از ۲۱ صفحه را به خود اختصاص داده است؛ اما این عنوان محوری بدون هیچ عناوین فرعی دیگر آمده است، در حالی که به عنوان موضوع محوری مقاله می‌بایست به عناوین فرعی دیگری تقسیم‌بندی می‌شد که چنین نشد و در مقابل می‌توان گفت بیشتر عنوان‌های قبلی، خارج از عنوان محوری مقاله و زائد و غیر ضروری می‌باشد؛ چرا که نویسنده در عنوان‌های قبل، پس از بیان مقدمات، ابتدا در یک محور، شخصیت‌های نمایشنامه مجنون لیلی احمد شوقی را مورد بررسی قرار داده است، آنگاه در محور اساسی آخر به مقایسه مباحث گذشته پرداخته است. نتیجه اولیه و طبیعی چنین روشی تکرار مباحث اولیه در مبحث آخر می‌باشد که ناشی از اختلال در روش تحقیق در مطالعات تطبیقی می‌باشد، در حالی که نویسنده محترم می‌توانست با حذف غالب عنوان‌ها قبل از عنوان اصلی «المقارنۃ بین المسرحیتین» و اضافه کردن عنوان‌های فرعی برای این عنوان محوری، نقص بزرگ موجود در عنوان بندی مقاله را برطرف کند که بیانگر وجوه اختلاف و تشابه در دو نمایشنامه مورد بحث باشند.

این نقص در انتخاب مباحث فرعی و عناوین داخلی در مقالات تطبیقی متعددی مشاهده گردید که به عنوان نمونه‌های بیشتر به عناوین داخلی برخی مقالات اشاره می‌شود. با این توضیح که برای اجتناب از اطاله کلام، فقط به عناوین داخلی مقالات اشاره کرده و از هرگونه توضیح اضافی خودداری می‌کنیم.

۲-۳-۲. پیرنگ در مقامات حریری و حمیدی:

مقدمه؛ پیرنگ و اهمیت آن؛ طرح داستان کوتاه در مقامات حریری: ۱- شروع یا مقدمه ۲- بدنه داستانهای مقامات: ۱-۲- کشمکش ۲-۲- گره افکنی ۲-۳- تعلیق ۲-۴- نقطه اوج ۲-۵- گره

گشایش

پیرنگ در مقامات حمیدی؛ نتیجه.

۲-۳-۳. قصّة مجنون لیلی فی الأدبین العربی و الفارسی:

المقدّمة؛ مجنون لیلی بین الحقیقة و الخرافة؛ مجنون لیلی فی الأدب العربی؛ ما هو سبب نجاح الشعراء الفرس فی إنشاء المطولات؛ مجنون لیلی فی الأدب الفارسی؛ أوجه التشابه فی قصّة مجنون لیلی فی الأدبین العربی و الفارسی؛ أوجه الخلاف فی قصّة مجنون لیلی بین الأدبین العربی و الفارسی؛ نتیجه البحث.

۲-۳-۴. مطالعه تطبیقی «ایمان» در اندیشه میگل د. اوناو و حافظ شیرازی

مقدمه؛ نگاهی کوتاه بر زندگی و اندیشه هیگل؛ گزاره‌های اوناو نو درباره ایمان: ۱- تضاد ایمان با عقل ۲- تعامل ایمان و عشق ۳- پیوند ایمان و امید ۴- ایمان و آگاهی ۵- ایمان و زندگی ۶- ایمان و انکار ۷- ایمان و اراده؛ ایمان در دیدگاه حافظ شیرازی؛ گزاره‌های حافظ در باب ایمان: ۱- ایمان و شک ۲- تضاد ایمان با عقل ۳- تعامل عشق و ایمان؛ نتیجه گیری.

همانطور که ملاحظه می‌شود نویسنده محترم ابتدا یک موضوع را در ادبیات عربی یا اروپایی بررسی نموده و سپس به بررسی آن در ادبیات پرداخته است، آنگاه در قسمت نتیجه‌گیری به برخی تشابهات در این زمینه اشاره نموده است.

این روش نادرست در ادبیات تطبیقی، بزرگترین نقص است که در بسیاری از مطالعات تطبیقی که در کشور انجام شده است، دیده می‌شود. شاید بیان تجربه شخصی نگارنده که در مرحله کارشناسی ارشد در دانشگاه علامه طباطبایی و در مرحله دکتری در دانشگاه فرانسوی القدیس یوسف بیروت، ادبیات تطبیقی را به عنوان پایان نامه ارشد و تز دکتری انتخاب کردم، خالی از فایده نباشد. اینجانب در سال ۷۸ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در زمینه مطالعات تطبیقی با عنوان «التوابع بین العربیّة و الفارسیّة» یعنی: «وابسته‌ها در زبان عربی و فارسی» دفاع کرده‌ام. نگاهی به عناوین پایان‌نامه مذکور بیانگر وجود همین مشکل در کار بنده می‌باشد.

۲-۳-۵. التوابع بین العربیّة و الفارسیّة:

- المقدّمة / الباب الأوّل: النحو و تدوینہ / الفصل الأوّل: اهمیّة النحو و تدوینہ فی اللغات العالمیّة /

الفصل الثاني: تدوين النحو في العربية / الفصل الثالث: تدوين النحو في الفارسيّة / الباب الثاني: التوابع بين العربية والفارسيّة / الفصل الأول: التوابع وأنواعها في العربية / الفصل الثاني: التوابع وأنواعها في الفارسيّة / الفصل الثالث: مقارنة عابرة بين التوابع في اللغتين / الباب الثالث: النعت أو الصفة في العربية والفارسيّة / الفصل الأول: الصفة وأنواعها في العربية / الفصل الثاني: الصفة وأنواعها في الفارسيّة / الفصل الثالث: مقارنة بين الصفات في اللغتين / الباب الرابع: البدل والتوكيد والعطف / الفصل الأول: البدل في العربية والفارسيّة / الفصل الثاني: التوكيد في العربية والفارسيّة / الفصل الثالث: عطف البيان في العربية والفارسيّة / الفصل الرابع: عطف النسق في العربية والفارسيّة / الخاتمة

ملاحظه می شود که به جز باب چهارم که گویا به طور اتفاقی تا حدودی با روش مطالعات تطبیقی هماهنگ شده است، بقیه بابها و فصلها خارج از چهارچوب روشمند مطالعات تطبیقی می باشد. با این حال هیچ یک از استادان راهنما و مشاور و حتی داوران در جلسه دفاعیه هیچ اشاره ای به نقص موجود در روش تطبیقی این پایان نامه نکرده اند. شاید این مطلب بیانگر آن باشد که اصولاً موضوع روش تحقیق به صورت عام و روش ادبیات تطبیقی به صورت خاص نه از طرف پژوهشگران و نه از طرف اساتید راهنما و داوران مورد توجه جدی قرار نمی گیرد.^(۵)

در زیر به نمونه ای دیگر از طرح اولیه یک پایان نامه تطبیقی و عنوان بندی آن اشاره می شود:
الحکمة بين المتنبی وسعدی:

المقدمة؛ الباب الأول: حياة المتنبی وسعدی وأدبها؛ الفصل الأول: حياة المتنبی وأدبه؛ الفصل الثاني: حياة سعدی وأدبه؛ الفصل الثالث: مقارنة أدب المتنبی وسعدی؛ الباب الثاني: أساليب الحكمة عند المتنبی وسعدی؛ الفصل الأول: أساليب الحكمة عند المتنبی؛ الفصل الثاني: أساليب الحكمة عند سعدی

الفصل الثالث: مقارنة الأساليب عند المتنبی وسعدی؛ الباب الثالث: أغراض الحكمة عند المتنبی وسعدی؛ الفصل الأول: أغراض الحكمة عند المتنبی؛ الفصل الثاني: أغراض الحكمة عند سعدی؛

الفصل الثالث: مقارنة الأغراض عند المتنبي وسعدى؛ الخاتمة

روشن است که همان مشکلی که در بخش مقالات از آن صحبت شد، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده هم وجود داشت و در طرح پیشنهادی دکترای بنده نیز وارد شد؛ اما مهارت و دقت استاد راهنما آقای پرفسور «أهيف سنو»^(۶) که دانش آموخته مکتب فرانسوی در امر پژوهش بود، از همان ابتدا مانع غفلت و انحراف جهت‌گیری پایان‌نامه بنده شد؛ لذا در مقابل عناوین هر سه باب و فصل‌های مربوطه سه بار با خطی که به سختی خوانده می‌شد، نوشت: «نوافل واضطراب سيؤذي إلى التكرار»، یعنی: این عناوین دارای آشفتگی و اضطرابی هستند که منجر به تکرار مطالب می‌شوند. و برای اجتناب از این مسیر انحرافی در ادبیات تطبیقی دائماً تأکید می‌کرد: «يجب أن ننتقل من المقارنة» یعنی: باید از همان ابتدا وارد مقایسه و تطبیق شویم نه اینکه موضوع مقایسه را برای آخرین مبحث هر فصل یا هر باب قرار دهیم.

شاید یادآوری این نکته خالی از فائده نباشد که این مشکل و اضطراب در پژوهش‌های تطبیقی خاص کشور ما نیست، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر به ویژه در کشورهای عربی نیز یافت می‌شود. به عنوان مثال می‌توان از پایان‌نامه دکترای زهدی صبری الخواجا با عنوان «موازنة بين الحكمة في شعر المتنبي والحكمة في شعر أبي العلاء المعري» نام برد که در دانشگاه «المنصورة» مصر دفاع شده و سپس از طرف انتشارات دار الأصاله للثقافة والنشر در ریاض عربستان سعودی به چاپ رسیده است و ما در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام فقط عناوین باب‌های پایان‌نامه مذکور را بیان کرده و از ذکر عنوان‌های فرعی کتاب (۶۴۳ ص) خودداری می‌کنیم.

موازنة بين الحكمة في شعر المتنبي والحكمة في شعر أبي العلاء المعري

- المقدمة؛ الباب الأول: الحكمة في شعر المتنبي؛ الباب الثاني: الحكمة في شعر أبي العلاء المعري؛

الباب الثالث: الحكمة بين شعر المتنبي وشعر أبي العلاء المعري؛ نتيجة البحث.

ناگفته پیداست که اضطراب و آشفتگی روش تحقیق در کتاب فوق آن قدر عمیق

است که بسیاری از پژوهش‌های تطبیقی ابتدایی نیز متوجه آن خواهند شد؛ چرا که نویسنده محترم ابتدا در خلال سه فصلِ بابِ اول، ۲۳۴ صفحه درباره حکمت در شعر متنبی مطلب نوشته و سپس در سه فصلِ باب دوم حدود ۲۰۰ صفحه پیرامون حکمت در شعر ابوالعلاء معری سخن گفته و در نهایت در پنج فصلِ باب سوم در حدود ۲۰۰ صفحه به مقایسه حکمت در شعر متنبی و معری پرداخته است و در نتیجه برای ارائه مطلب در باب سوم به ناچار باید بسیاری از مطالب مطرح شده در دو باب اول و دوم را مجدداً برای نتیجه‌گیری تکرار کند و این همان چیزی است که پرفسور سنو از آن به عنوان «نوافل واضطراب» نام برده است.

این روش نادرست، بزرگترین اشکالی است که به خاطر عدم درک درست از روش تطبیقی به وجود می‌آید و متأسفانه در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده دیده می‌شود؛ در حالی که ارزشی که بر مطالعات تطبیقی مترتب است، منحصر به بخشی است که در آن عمل مقایسه صورت می‌گیرد، نه یافته‌های محقق در هر یک از دو ادب فارسی و عربی به طور جداگانه. حتی گاهی دیده می‌شود که پژوهشگر، پس از بررسی جداگانه و مستقل موضوع مورد نظر در هر یک از دو زبان یا ادبیات، دیگر چندان نیازی نمی‌بیند که به تجزیه و تحلیل تطبیقی پردازد و اغلب به صورت مختصر به این امر اشاره می‌کند؛ چرا که در صورت توضیح و تفصیل بیشتر احساس می‌کند که دچار تکرار گویی شده است. بزرگترین عامل آن اطناب ممل و این اجمال مخل، عدم درک صحیح روش تطبیقی است. (قهرمانی، ۱۳۸۶: ۲۴۷)

به نظر می‌رسد دلیل آن این است که اصولاً ادبیات تطبیقی و روش‌های تحقیق در آن پدیده نوظهوری است که حدود ۲۰۰ سال قبل در جهان غرب توسط دانشمندانی چون: فیلمان^۱ و ژاک امیر^۲ از استادان دانشگاه سوربون فرانسه طرح گردید. (کفافی، ۱۹۷۱: ۷؛ هلال، بی‌تا: ۱۷)؛ لذا اهتمام به روش تحقیق در ادبیات تطبیقی و انجام پژوهش‌های دقیق

^۱ - filman

^۲ - J.J. Ampere

برای تدوین و تألیف منبع و مرجعی مناسب با استفاده از جدیدترین یافته‌های صاحب‌نظران ادبیات تطبیقی داخل و خارج کشور، امری ضروری است که پیشنهاد می‌گردد صاحب‌نظران و اساتید برجسته کشور به این مهم پردازند.

۲-۳-۴. مقالات دارای روش تطبیقی قابل قبول

در پایان این مقاله پس از بیان یکی از مهم‌ترین نقص‌های موجود در برخی پژوهش‌های تطبیقی، اینک به عنوان حسن ختام به نمونه‌هایی از مقالاتی که از روش تطبیقی طرح تحقیق قابل قبولی برخوردار بوده، اشاره می‌شود که امید می‌رود به عنوان الگو و نمونه‌ای از پژوهش‌های تطبیقی مورد استفاده پژوهشگران عرصه ادبیات قرار گیرد. برای این منظور ابتدا عناوین مقالات تطبیقی قابل قبول را بیان نموده و سپس طرح تحقیق و عناوین داخلی برخی از آنها را به تفصیل ذکر می‌کنیم.

۱- بررسی تطبیقی آثار صمد بهرنگی و شل سیلورستاین

۲- بررسی تطبیقی اشعار بدر شاکر و نیما یوشیج

۳- شیخ عطار و ویکتور هوگو (بررسی تطبیقی نماد شخصیت عرفانی فضیل عیاض و ژان والزان)

۴- بررسی تطبیقی مفهوم مرگ در اندیشه ابوالعلاء معری و عمر خیام نیشابوری

۵- مرگ اندیشی خیامی در آثار دو شاعر فارسی و عربی: صلاح عبدالصبور و نادر نادرپور

۶- مطابقه فعل و فاعل در دو زبان فارسی و انگلیسی

۷- خوشبینی در شعر ایلیا ابوماضی و محمدحسین شهریار

۸- مقایسه اشعار وصفی ابن معتر و منوچهری دامغانی

۹- بررسی تطبیقی اشعار عبدالوهاب بیاتی و ناظم حکمت

۱۰- مفهوم قید و انواع آن در زبان‌های روسی و فارسی

با دقت در موضوعات تطبیقی فوق و بررسی طرح تحقیق و عناوین داخلی در می‌یابیم که برخی پژوهشگران توانسته‌اند با استفاده از روش تطبیقی و نگاه مقایسه‌ای دقیق از ابتدا تا انتهای مقاله و تنظیم عناوین مقایسه‌ای قابل قبول تا حدود زیادی در پژوهش تطبیقی خود موفق باشد. در اینجا برای درک بهتر این مطلب به عناوین داخلی برخی از مقالات فوق

اشاره می‌شود:

۲-۳-۴-۱. بررسی تطبیقی آثار صمد بهرنگی و شل سیلور استاین:

۱. مقدمه ۲. ادبیات تطبیقی ۳. اهمیت ادبیات تطبیقی ۴. مبانی و حوزه ادبیات تطبیقی ۵. بررسی محتوایی و ساختاری آثار بهرنگی و استاین ۶. فضای زمانی و مکانی بهرنگی و استاین ۷. نگرش دو قطبی بهرنگی و تکوین آن در آثار استاین ۸. درون مایه‌های آثار بهرنگی و استاین / شخصیت‌های داستان‌ها / آگاهی اجتماعی / مبارزه برای برابری حقوق / مرگ و زندگی دوباره / خورشید / عشق / طنز / همدلی / خدا / حرکت و سفر / شخصیت پردازی / تطبیق شخصیت‌ها در آثار بهرنگی و استاین / ۹. سرانجام سخن.

همانطور که ملاحظه می‌شود، نویسنده در طرح تحقیق خود پس از سه مبحث اولیه پیرامون مفهوم، اهمیت و مبانی ادبیات تطبیقی، در تمامی مباحث بعدی مقاله با نگاه کاملاً تطبیقی و مقایسه‌ای و با انتخاب عناوینی که بیانگر جوانب و زوایای متعدد موضوع می‌باشد، ابتدا به شرح و توصیف و سپس به تحلیل و نقد موضوعات مربوطه پرداخته است. باید دانست که تأیید نگاه تطبیقی نویسنده در این مقاله به معنی تأیید کامل طرح تحقیق و دفاع از تمامی عناوین آن نیست؛ چرا که به نظر نگارنده، عنوان‌های مقدماتی اولیه تقریباً خارج از موضوع بوده و بهتر بود ضمن بیان مسأله در مقدمه و یا به اختصار در ذیل یک عنوان مدخل گونه بیان گردد. مهم‌تر اینکه به نظر می‌رسد در برخی مباحث مقاله نوعی آشفتگی وجود دارد. به عنوان نمونه موضوع مربوط به شخصیت‌های داستان، یک بار در اواسط مقاله تحت عنوان «شخصیت‌های داستان‌ها» و بار دیگر در دو مبحث پایانی مقاله به طور جداگانه تحت عنوان «شخصیت‌پردازی» و «تطبیق شخصیت‌ها در آثار «بهرنگی» و «استاین» بررسی شد. در حالی که بهتر بود بررسی شخصیت‌های داستان در یک جا و پشت سرهم انجام شود.

به عنوان نمونه دوم از عناوین داخلی مقالاتی که دارای طرح تحقیق قابل قبولی هستند، می‌توان به مباحث فرعی مقاله زیر اشاره کرد:

۲- خوش بینی در شعر ایلیا ابی ماضی و محمد حسین شهریار:

۱. مقدمه ۲. زندگینامه ابوماضی ۳. زندگینامه محمد حسین شهریار ۴. ادبیات تطبیقی چیست ۵.

خوش بینی چیست ۶. جلوه‌های خوش‌بینی در شعر شاعران معاصر فارسی و عربی ۷. مقایسه دیدگاه‌های خوش‌بینانه بین دو شاعر ۱-۷- اعتقاد به خداوند بلند مرتبه ۲-۷- اعتقاد به قضا و قدر ۳-۷- معاد ۴-۷- صبر ۵-۷- بهره‌مندی از طبیعت زیبا ۶-۷- محبت ۷-۷- عشق به زندگی ۸- نتیجه.

همانطور که ملاحظه می‌شود، مقاله فوق با وجود اینکه مانند مقاله قبلی و حتی بیشتر از آن دارای مباحث اولیه زائد، پیرامون زندگی نامه دو شاعر و مفهوم ادبیات تطبیقی و جلوه‌های خوش‌بینی در شعر شاعران معاصر فارسی و عربی می‌باشد که خارج از موضوع اصلی مقاله است. بهتر بود در ضمن بیان مسأله در مقدمه و یا به اختصار در یک عنوان مدخل گونه بیان می‌شد^(۷) با این حال، مباحث اصلی مقاله که از عنوان هفتم و زیر مجموعه‌های هفت‌گانه آن تشکیل می‌شود، دارای نگاه کاملاً تطبیقی از ابتدا تا انتهای مبحث می‌باشد؛ چرا که نویسنده در یک طرح تطبیقی قابل قبول به بررسی و مقایسه دیدگاه‌های هر دو شاعر را در هر مبحث به طور یک‌جا پرداخته است.

در پایان این مقاله مجدداً تأکید می‌شود که هدف از بیان کاستی‌ها مربوط به روش تطبیقی در مقالات منتشره و ذکر مقالاتی که فاقد یا دارای نگاه تطبیقی در انتخاب موضوع و یا تنظیم مباحث داخلی بوده‌اند، هرگز به معنی رد یا تأیید کامل و همه‌جانبه مقالات ذکر شده نمی‌باشد؛ چرا که نقض‌های موجود در مباحث فرعی و داخلی مقالات تطبیقی مذکور هر چند که بر اساس معیارها و استانداردهای روش تحقیق، نقص شمرده می‌شود؛ اما این سخن بدان معنی نیست که تمامی مقالاتی که دارای ضعف‌هایی در این زمینه بوده‌اند، بی‌ارزش می‌باشند؛ زیرا مطابق آنچه که در مقدمه این مقاله ذکر شد، انتخاب موضوع تطبیقی و تنظیم مباحث فرعی و عناوین داخلی، فقط یکی از معیارهای ارزیابی مقالات می‌باشد؛ لذا مشاهده می‌شود که برخی از مقالات مذکور به ویژه مقاله «گنج در مغازه» به دلیل بررسی دقیق و اهتمام به روش تحقیق، بسیار ارزشمند و مفید بوده و می‌تواند به عنوان الگویی از تجزیه و تحلیل عمیق، راهگشای استادان و پژوهشگران جوان باشد. همانطور که در مقابل تأیید عناوین داخلی برخی مقالات دیگر به معنای تأیید همه‌جانبه

مقالات مذکور نیست و همانطور که اشاره شد، بسیاری از مقالات مورد تأیید در این زمینه، دارای نواقص مهم‌تری از قبیل ضعف تجزیه و تحلیل بوده که ناشی از بررسی سطحی و شتاب‌زده می‌باشد.

نتیجه

۱. از آنچه که تاکنون در این پژوهش در خصوص انتخاب موضوع و تنظیم مباحث داخلی در مقالات تطبیقی منتشره در مجلات علمی پژوهشی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که علی‌رغم اتفاق نظر صاحب‌نظران روش تحقیق بر اهمیت و ضرورت ادبیات تطبیقی و لزوم توجه فراوان به تنظیم مباحث فرعی و عناوین داخلی، متأسفانه بسیاری از پژوهشگران عرصه ادبیات تطبیقی، به این موضوع اهتمام لازم نشان نداده و یا حتی آگاهی لازم نداشته‌اند؛ لذا از بین بیش از ۵۰ مقاله منتشره، مقالات اندکی یافت شده است که معیارهای روش تحقیق در ادبیات تطبیقی را رعایت نموده و به عنوان نمونه‌هایی برای استفاده استادان و پژوهشگران ذکر گردیده‌اند.

۲. به استناد بررسی‌های دقیق به عمل آمده، می‌توان گفت: مهم‌ترین نقص‌های موجود در مقالات تطبیقی منتشره، فقدان نگاه تطبیقی می‌باشد که این نقص غالباً در دو مرحله مشاهده گردید؛ یکی در مرحله انتخاب موضوع تحقیق و دیگری در مرحله تنظیم مباحث و عناوین داخلی. به عبارت دیگر، برخی مقالات در انتخاب موضوع تنها به دنبال یافتن تشابهات جهت اثبات تأثیرپذیری بوده و از وجوه اختلاف که بیانگر تفاوت‌های موجود در ادبیات ملل مختلف و یا نوآوری یک شاعر می‌باشد، غفلت ورزیدند. همانطور که بسیاری از مقالات تطبیقی فاقد نگاه تطبیقی در تنظیم مباحث فرعی و عناوین داخلی بوده‌اند و بیشتر به بیان ویژگی‌های هر شاعر یا ادیب به طور جداگانه اکتفا کرده و از مقایسه و بررسی تطبیقی دقیق و همه‌جانبه غافل مانده‌اند.

۳. شایسته است صاحب‌نظران و پژوهشگران محترم و داوران و سردبیران ارجمند و اعضای هیأت تحریریه مجلات تطبیقی، بیش از پیش به این امر اهتمام ورزیده و با هماهنگی و هم‌فکری همه علاقمندان و صاحب‌نظران ادبیات تطبیقی، ضمن تعیین معیارهای لازم برای روش تحقیق در ادبیات تطبیقی، نویسندگان و سردبیران مجلات را ملزم نمایند که به این معیارها پای‌بند باشند تا ان‌شاء‌الله به زودی شاهد رشد توسعه هر چه بیشتر پژوهش‌های تطبیقی و در نتیجه افزایش سهم این رشته در نوآوری و تولید علم در علوم انسانی باشیم.

پی‌نوشت:

- (۱) جهت اطلاع بیشتر از مضمون مقالات به شماره اول ویژه‌نامه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی (بهار ۸۹) صفحات ۳-۳۸ و ۱۵۴-۱۶۴؛ و همچنین خبرنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی شماره ۱۴، ص ۹-۱۰ مراجعه نمایید.
- (۲) مباحث پنج‌گانه کتاب مذکور به این ترتیب می‌باشند: - نظریه و نقد ادبی - مکتب‌های ادبی - مضمون‌ها و مایع‌های غالب ادبی - انواع ادبی - روابط ادبی. (نقل از ذکات، مجله ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره اول، ص ۱۷۰)
- (۳) بدون شک منظور از عبارت فوق این نیست که نگارنده صاحب این تجربه و مهارت می‌باشد. بلکه هدف فقط توجه دادن صاحب‌نظران و پژوهشگران عرصه ادبیات تطبیقی به اهمیت روش تحقیق در این عرصه می‌باشد تا در آینده با استفاده از تجربه‌های خود و دیگران به دنبال تألیف کتاب مستقلاً در این زمینه باشند.
- (۴) جهت اطلاع بیشتر مراجعه کنید به مقاله «انتخاب موضوع و تنظیم عنوان در مقالات پژوهشی» و همچنین مقاله «نقدی بر مباحث فرعی و عناوین داخلی مقالات علمی پژوهشی»، تألیف نگارنده.
- (۵) به عنوان نمونه دیگر می‌توان به پایان‌نامه دکتری در رشته زبان و ادبیات عربی با عنوان «رنالیسم اجتماعی در آثار نجیب محفوظ و محمود دولت‌آبادی»، نام برد که در سال ۱۳۸۵ در یکی از دانشگاه‌های مهم کشور دفاع شده است که با وجود جدید و مفید بودن موضوع، به دلیل فقدان روش تطبیقی از داشتن یک طرح مناسب با موضوعات تطبیقی محروم بوده و در نتیجه بخش اعظم زحمات دانشجو به هدر رفته است.
- (۶) مدیر معهد الآداب الشرقيّة بجامعة القديس يوسف في بيروت.
- (۷) علاوه بر آن مقاله مذکور به دلیل نگاه سطحی و شتاب‌زده نویسنده محترم، دارای تجزیه و تحلیل و نقد ضعیفی است که خارج از موضوع این مقاله بوده و بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. ازهای، جواد و همکاران (۱۳۸۲)؛ چگونه بنویسیم: روش نگارش مقالات پژوهشی و شیوه نگارش فارسی، چاپ اول، تهران، سمپاد.
۲. باجو، دانیل هنری (۱۹۹۷)؛ الأدب العام والمقارن، ترجمه: غسان السید، لا طبعه، دمشق، منشورات اتحاد الكتاب العرب.
۳. برونیل، بییر، ورفاقه (۱۹۹۶)؛ ما الأدب المقارن، ترجمه: غسان السید، الطبعة الأولى، دمشق، منشورات دار علاء الدین.
۴. التونجی، محمد (۱۹۹۵)؛ الأدب المقارن، الطبعة الأولى، بیروت، دارالجليل.

۵. الجبوری، یحیی وحید (۱۹۸۹)؛ **منهج البحث الأدبی و تحقیق النصوص**، الطبعة الثانية، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۶. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۶)؛ **روش تحقیق: با رویکردی به پایان‌نامه نویسی**، چاپ سوم، تهران، بازتاب.
۷. خورشیدی، عباس وهمکاران (۱۳۷۸)؛ **روش‌های پژوهش در علوم رفتاری (از نظریه تا عمل)**؛ چاپ اول، تهران، نوین پژوهش.
۸. دلاور، علی (۱۳۸۵)؛ **روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۹. زرین‌کوب، عبدالحسین (۲۵۳۶)؛ **تحقیق درست: یاداشت‌ها و اندیشه‌ها**، چاپ سوم، تهران، جاویدان.
۱۰. سنو، أهیف (۲۰۰۳)؛ **البحث القصیر**، الطبعة الأولى، بیروت، دارالمشرق.
۱۱. شلی، أحمد (۱۹۷۴)؛ **کیف تکتب بحثاً أو رسالة**، الطبعة الثامنة، القاهرة، مكتبة النهضة المصریة.
۱۲. صابری، علی (۱۳۸۴)؛ **المنهج الصحیح فی کتابة البحث الأدبی**، چاپ اول، تهران، شرح.
۱۳. ضیف، شوقی (۱۹۷۲)؛ **البحث الأدبی: طبیعته، مناهجه، أصوله، مصادره**، الطبعة السابعة، القاهرة، دار المعارف.
۱۴. قرا ملکی، احد فرامرز (۱۳۸۵)؛ **روش مطالعات دینی**، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۵. کفافی، محمد عبد السلام (۱۹۷۱)؛ **فی الأدب المقارن: دراسات فی نظریة الأدب و الشعر القصصی**، الطبعة الأولى، بیروت، دار النهضة العربیة.
۱۶. مشکین فام، بتول (۱۳۸۶)؛ **البحث الأدبی: مناهجه ومصادره**، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
۱۷. نادری، عزت الله وسیف نراقی، مریم (۱۳۷۲)؛ **روش‌های تحقیق در علوم انسانی**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات بدر.

۱۸. ندی، طه (۱۹۹۱)؛ **الأدب المقارن**، الطبعة الثالثة، بیروت، دار النهضة العربیة.

۱۹. هلال، محمد غنیمی (لا تاریخ)؛ **الأدب المقارن**، الطبعة الثالثة، القاهرة، دار نهضة مصر.

20- Aldridge A. Own (1960), ed. **Comparative literature : matter and method**, Urbana : University of Illinois Press.

21- Stallknecht Newton P. and Horst Frenz, (1961-1971), eds. **Comparative literature : method and perspective**, Revised edition, Carbondale : Southern Illinois University Press.

ب. مجله‌ها

۲۲. انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹)؛ **ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران**، ویژه نامه ادبیات

تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سال اول، شماره اول، صص ۶-۳۸.

۲۳. بهبودیان، شیرین وپالیزیان، طاهره (۱۳۸۷)؛ **جایگاه ادبیات تطبیقی در زبان و ادبیات**

فارسی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، سال دوم، شماره ۵، صص ۴۹-۶۲.

۲۴. حجازی ناهید (۱۳۸۹)؛ **انجمن بین المللی ادبیات تطبیقی**، ویژه نامه ادبیات تطبیقی،

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، سال اول، شماره اول، صص ۱۳۶-۱۵۳.

۲۵. زینی‌وند، تورج (۱۳۸۶)؛ **درآمدی بر ادبیات در ایران (پیشینه، اهمیت، جایگاه،**

راهکار، سرفصل)، مجموعه مقالات سومین همایش مدیران گروه‌های عربی کشور، همدان،

صص ۱۵۹-۱۷۴

۲۶. طاهری نیا علی باقر وبخشی مریم (۱۳۸۸)؛ **سنجش تولیدات علمی گروه زبان**

و ادبیات عربی ایران، (مقالات علمی پژوهشی از سال ۱۳۸۶ - ۱۳۸۲)؛ مجله انجمن زبان

و ادبیات عربی، شماره ۱۳، صص ۱۰۳-۱۲۸.

۲۷. عسکری، صادق (۱۳۸۹)؛ **انتخاب موضوع و تنظیم عنوان در مقالات پژوهشی زبان**

و ادبیات عربی، مجله زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، صص ۹۷-۱۱۸.

۲۸. عسکری صادق (۱۳۹۰)؛ **نقدی بر مباحث فرعی و عناوین داخلی مقالات علمی**

پژوهشی زبان و ادبیات عربی، مجله انجمن زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۸، صص ۹۵-

۱۲۹.

۲۹. قهرمانی، علی اصغر (۱۳۸۶)؛ **گرایش ادبیات تطبیقی در رشته زبان و ادبیات عربی:**

درس‌ها و سرفصل‌ها، مجموعه مقالات سومین همایش مدیران گروه‌های عربی کشور،

همدان، صص ۲۴۱-۲۵۰.

۳۰. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۲)؛ **تولید علم و مقالات علمی پژوهشی علوم انسانی در ایران**، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶.
۳۱. نظری منظم، هادی (۱۳۸۹)؛ **ادبیات تطبیقی: تعریف وزمین‌های پژوهش**، نشریه ادبیات تطبیقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، سال اول، شماره ۲، صص ۲۲۱-۲۳۷.
۳۲. محسنی نیا، ناصر (۱۳۸۹)؛ **ادبیات تطبیقی: جایگاه و ضرورت‌ها**، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۴، صص ۸۱-۱۰۱.
۳۳. میرزایی، فرامرز و همکاران (۱۳۸۷)؛ **تحلیل گزارش گونه مقالات چاپ شده مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی**، مجله انجمن زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۰، صص ۱۶۵-۱۸۱.

ج- مجلات علمی پژوهشی مورد بررسی:

۱. ویژه نامه ادبیات تطبیقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۹.
۲. پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دانشگاه تربیت مدرس، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۹.
۳. نشریه ادبیات تطبیقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کرمان، سال اول، دوره جدید، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹.
۴. فصلنامه ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۸۷.
۵. فصلنامه ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۷.
۶. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
۷. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۵.
۸. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۹. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۵۶، بهار ۱۳۸۶.
۱۰. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱۷۹، پاییز ۱۳۸۵.
۱۱. مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان، جلد چهاردهم شماره ۲، ۱۳۸۳.

اختيار الموضوع وتنظيم المباحث الفرعية في الدراسات المقارنة (دراسة وجيزة في منهجية الأدب المقارن)*

الدكتور صادق عسكري

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية و آدابها، جامعة سمنان

الملخص

لاشك في أن اختيار الموضوع وتنظيم المباحث الفرعية من الخطوات الأساسية في كل بحث علمي، الأمر الذي يتم على أساس المعايير المنهجية المتفقة عليها في كل فرع جامعي. ومن جانب آخر يمكن القول بأن أبرز الفارق بين الدراسات المقارنة و غيرها يكمن في المنهجية الخاصة بكل منهما. تتناول هذه المقالة معالجة الموضوعات وكيفية اختيار المباحث الفرعية وتنظيم العناوين الداخلية للدراسات المقارنة التي نُشرت في المجلات العلمية المحكمة، وقد تم ذلك بعد ذكر لأهم المعايير المنهجية التي يجب اتباعها في الدراسات المقارنة، المستخرجة من المصادر والمراجع المرتبطة بهذا الحقل من الأبحاث الجامعية.

تدلّ النتائج التي توصلنا إليها في هذه الدراسة على أن كثيرا من المقالات في حقل الأدب المقارن لا تتجه عمليا إلى المقارنة في اختيار الموضوع وخطّة البحث وتنظيم العناوين الداخلية. بعبارة أخرى نرى كثيرا من الباحثين في الأدب المقارن يبحثون عن وجوه الشبه بين شعراء وأدباء في مختلف الآداب العالمية إثباتا لتأثر شاعر من شعراء آخر، أو تأثر أديب متأخر زمنيا بأديب متقدم، إذا كانت المقارنة بين أديبين مختلفين زمنيا. وهذا يعني أنهم أغفلوا دراسة وجوه الاختلاف بين الأدباء والشعراء في الأمم المختلفة، مما ينتهي غالبا إلى تحديد التجديد من التقليد، وتمييز المبدع من المقلد.

ومن جانب آخر شاهدنا أن كثيرا من الدراسات المقارنة تفتقد العنصر المحوري في الأدب المقارن، ألا وهو الاتجاه المقارن في خطّة البحث واختيار المباحث الفرعية والعناوين الداخلية. فالباحث في مثل هذه الدراسات يدرس كل شاعر على حدة، مركزا على معالجة الخصائص الفنية لشاعر في لغة من اللغات، ثم يبدأ بالحديث عن الخصائص الفنية لشاعر أو أديب في لغة أخرى، بعيدا عن المقارنة الدقيقة بين الشعارين وفق منهج مقارن يؤدي إلى دراسة الخصائص المشتركة أو المختلفة للأديبين جنبا لجنب.

وإلى جانب تلك المقالات التي تعاني من النواقص المذكورة أعلاها، لا بدّ من الإشارة أخيرا إلى أن هناك أيضا بعض المقالات التي تتمتع بالدقة والمنهجية المتميزة في الأدب المقارن. وقد أتينا بتلك المقالات معبرين عن محسناهما المنهجية كنموذج للباحثين في الأدب المقارن.

الكلمات الدلّيلية: اختيار الموضوع، المقالات المحكمة، الأدب المقارن، منهجية البحث.

